

222736 - آیا غم مستمر او برای پدر درگذشته‌اش با صبر منافات دارد؟

سوال

پدرم رحمه الله سه ماه پیش از دنیا رفت. من بسیار جای خالی او را احساس می‌کنم و از احساسات متناقض رنج می‌برم. گاهی بسیار غمگین می‌شوم انگار ایشان همین دیروز از دنیا رفته‌اند و گاه احساس می‌کنم میلی به زندگی ندارم و گاه آرام هستم و هیچ احساسی ندارم... من قدر مناسبی علوم شرعی خوانده‌ام و بسیاری از کتاب‌های دینی را مطالعه کرده‌ام و در دروس علمی و سخنرانی‌های دینی شرکت می‌کنم و معنای صبر و ثواب آن را می‌دانم و بسیار دعا می‌کنم و حتی پیش از خواب خیلی در دلم تکرار می‌کنم که پروردگارا من به قضای تو راضی‌ام و تویی که عطا می‌کنی و تویی که باز می‌داری و امر، امرِ توسست و آنچه را می‌دانم و نمی‌دانم برایم بیامرزد. اما با این حال دچار حیرتم و بارها این از ذهنم می‌گذرد که من منافقم و اگر واقعا صابر بودم پس این همه درد و دلتنگی چیست؟ و آیا آنچه احساس می‌کنم در منافات با حقیقت صبر نیست؟ و اگر صابر نیستم چگونه می‌توانم به مقام خشنودی (رضا) دست یابم؟ معنای سلام که از نام‌های الهی است را خواندم و در آیاتی که این نام را در خود داشت تدبر کردم و وقتی برای پدرم دعا می‌کنم می‌گویم: «خدایا، تویی آن سلام و سلام از توسست، خجسته و والایی ای والامقام گرامی، از تو می‌خواهم که پدرم را در قبر در سلام و آرامش بداری و روزی که زنده او را برانگیخته خواهی کرد او را در امن و سلامت بداری» آیا این دعای من درست است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

کسی در این دنیا نیست که از مصیبت‌های این دنیا در امان بماند. مصیبت‌هایی که در جان و خانواده و عزیزان او یا در مالش یا در چیزهای دیگر رخ می‌دهد.

برای مسلمان واجب است که اگر دچار برخی از این مصیبت‌ها شد صبر کند و اگر به درجهٔ خشنودی برسد که کامل‌تر و بهتر است و اجرش بیشتر.

اما احساسی که بعضی اوقات دارید در منافات با صبر نیست، تا وقتی که از یک احساس صرفاً درونی فراتر نرود و به شکل گفتار و کردار مخالف شرع خودنمایی نکند، مانند نوحه‌خوانی و دریدن لباس و چنین کارهایی.

این احساس (یعنی غم شدید) بی‌اختیار سراغ انسان می‌آید به ویژه اگر شخص عزیزی را از دست داده باشد، همانند مورد شما.

با این حال مطلوب آن است که مسلمان به این غمها پاسخ مثبت ندهد و با آن همراه نگردد تا بر زندگی و عبادات او اثر منفی نگذارد. بنابراین سعی کنید خیلی تنها نباشید و به این غمها فکر نکنید و همواره به کار مفیدی مشغول شوید و تا اسیر غمهایی که شیطان تحریکش می‌کند نشوید. این غمها باعث می‌شود مسلمان افسرده شده گوشه‌گیری کند چرا که شیطان هرگاه توانست مسلمان را غمگین کند از کار خود شادمان می‌شود. الله تعالی می‌فرماید:

{إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ} [سوره مجادله: ۱۰]

(این نجوا صرفاً از سوی شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند دلتنگ سازد و جز به فرمان الله هیچ آسیبی به آنان نمی‌رساند و مؤمنان باید بر الله توکل کنند).

همچنین می‌توانید به درجهٔ رضا (خشنودی) دست یابید، به این شکل که همیشه فکر کنید که خداوند این چیز را نوشته و مقدر کرده و ناگزیر رخ می‌داد، و غم این مصیبت را از بین نمی‌برد بلکه بیشترش می‌کند.

همواره به این پاداش خشنودی نزد الله فکر کنید چرا که «هر آنکه خشنود شد، خشنودی از آن اوست» و هیچ چیز بالاتر از این نیست که الله از بنده‌اش راضی شود.

دعایی که برای پدرتان می‌کنید دعایی است نیکو و از الله می‌خواهیم آن را اجابت کند و در عوض مصیبتتان جزای خیرتان دهد.

والله اعلم